

فصل ۳: دوندگان - میلیون ها پا، پنجه و سم در حرکت

پرندگان، خفاش ها و حشرات مسیره های بلندی را پرواز کرده و گاه قاره ها و اقیانوس ها را در می نوردند. حیوانات شناگر اغلب نیمی از جهان را زیر پا می گذارند. گاه این مهاجرین به کمک های



گوزن آفریقایی و گورخرها در کنار رود مارا در آفریقا. این دو حیوان در کنار گوزن تامسون هر سال در طول صحرای سرنگتی مهاجرت می کنند.

پرندگان بمانند ولی می توانند گله های حیوانات را ببیند که از کوه ها، رودخانه ها و سرزمین ها عبور می کنند.

حداقلی از محیط اطراف خود تکیه دارند. پرندگان در مسیر بادهای قوی به پرواز در می آیند و یا روی هوای در حال بالا آمدن سر می خورند. ماهی ها و نهنگ ها در بزرگراه های ایجاد شده توسط جریان های اقیانوسی به حرکت در می آیند. با این همه بسیاری از حیوانات با پای خود به مهاجرت می پردازند و در مسیر مهاجرت روی پای شان راه می روند. این گونه ها چون پروازگران و شناگران مسیره های طولانی نمی روند ولی همواره با تکیه بر انرژی خود، یک پا (پنجه یا سم) را جلوی پای دیگر گذاشته و پیش می روند.

این مهاجرین به اغلب دوست داران امکان مشاهده و تماشای مستقیم خود را می دهند. انسان قادر نیست در انتظار سفرهای دریایی و یا پرواز شبانه

بسیاری از حیوانات از طریق راه رفتن مهاجرت می‌کنند. برخی پرنندگان نیز به این شیوه مهاجرت می‌کنند. شترمرغ و امو فواصل زیادی را روی زمین و با پاهای‌شان راه می‌روند. پنگوئن امپراطور نیز همین گونه است. دوزیستان نیز اغلب مجبور به مسافرت هستند زیرا دارای دو زیستگاه متفاوت می‌باشند. هر بهار، قورباغه‌ها، وزغ‌ها، سالاماندرها و بزج‌ها از سرزمین مادری خود مهاجرت می‌کنند و خود را از جنگل‌ها به استخرها و آب‌های جاری می‌رسانند و در این مناطق به جفتگیری و زاد و ولد می‌پردازند و تخم می‌گذارند. این مهاجرین اغلب کیلومترهای محدودی مسافت می‌کنند بطوری که حتی مهاجرت آنها قابل اغماض است ولی برخی دوزیستان به تعداد زیادی به سفر می‌پردازند بطوری که گویی زمین پوشیده از فرش است.

حیوانات سم‌دار دیدنی‌ترین راهپیمایی‌های بلند روز زمین را به نمایش می‌گذارند و شامل گوزن شمالی، پرانگ‌هورن، غزال‌ها و دیگر آهوه‌های و آنتلوپ‌ها می‌باشند. هر سال بیش از یک میلیون گوزن آفریقایی دست به بزرگ‌ترین مهاجرت سالانه در نزدیکی آفریقای استوایی می‌زنند. یک گوزن آفریقایی در واقع آنتلویی با وزن حدود ۱۸۰ کیلوگرم با ریش سفید و شاخ‌های تاب‌خورده و سنگین است. بزرگ‌ترین مهاجرت در نقطه‌ای دورتر، در نزدیکی قطب شمال رخ می‌دهد. در اینجا گله‌های گوزن شمالی (کاریبو) مسافت‌های بمراتب بیشتری را در سردترین و وحشیانه‌ترین زمستان‌ها طی می‌کنند.

گوزن آفریقایی در سرنگتی

برای مردم ماسایی که در جوار مسیر مهاجرت گوزن آفریقایی زندگی می‌کنند، سرنگتی به معنی دشت بی‌انتهایی است که در افق دور با آسمان یکی می‌شود. سرنگتی یک دشت باز ۳۰۰۰۰ کیلومتر مربعی است که در حد فاصل دو کشور تانزانیا و کنیا قرار دارد. این سرزمین آفریقایی همواره در حال تغییر است. وقتی باران می‌بارد از یک دشت لم‌یزرع و بدون آب تبدیل به زمینی بارور و حاصل‌خیز می‌شود. ابر سیاهی که بر فراز آسمان آن شکل می‌گیرد بارانی فرو می‌بارد که تمامی دشت خشک سرنگتی را سیراب می‌کند. در عرض چند ثانیه، سیلاب‌های مهیب به شستشوی زمین می‌پردازند و در عرض یکی دو روز، زمین‌های گرد و غبارآلوده تبدیل به یک صحرای سرسبز و زیبا می‌شود.

هر سال تقریباً دو میلیون حیوان، مسیری در جهت عقربه ساعت را در درون صحرای سرنگتی طی می‌کند و بیش از یک میلیون گوزن آفریقایی به همراه ۵۰۰ هزار گورخر و غزال تامپسون مسیر ۳ هزار کیلومتری را با هدف یافتن مراتع سبز طی می‌کنند. انگیزه غذا برای آنها قوی است. گله‌ها به گشت‌زنی و پرسه زدن در علفزارهای خشک می‌پردازند و در طول دره‌های سنگی کوه‌ها بالا می‌روند و با رودخانه‌های پر از تمساح برخورد می‌کنند.

وقتی حیوانات در طول این صحرا چارنعل راه می‌روند، زمین زیر پایشان می‌لرزد. ضربات سم آنها به همراه خرناس گوزن آفریقایی و شیهه گورخرها صدای غالب مهاجرت در صحرای سرنگتی است. این چرخه هر سال در دسامبر یا ژانویه و زمانی که باران‌هایی در سرنگتی غربی می‌بارد آغاز می‌شود. گله‌ها حدود ۳ تا ۵ ماه از عمرشان را در سرزمین‌های غنی جنوبی به سر می‌برند. آنها باران را برای دستیابی به

مواد غذایی و علوفه تازه و سرسبز دنبال می‌کنند. در اوج سورچرانی آنها بیش از ۲۰۰ حیوان در هر متر مکعب زمین آن به سر می‌برند. در واقع گوزن آفریقایی در تراکم‌ترین حالت خود در میان پستانداران بزرگ سپری می‌کنند که تنها متفاوت از انسان است. در این زمان گوزن آفریقایی به زایمان می‌پردازد و تعداد ۳۰۰ هزار گوساله جدید در عرض ۳ هفته به دنیا می‌آید. گوساله‌ها با زندگی متحرک در حال مهاجرت سازگار شده‌اند بطوری که چند دقیقه بعد از تولد قادر به دویدن می‌باشند. بعد از دو روز گوساله‌ها به قدری سفت می‌شوند که حتی کفتار خالدار که مهمترین دشمن و شکارچی گوزن آفریقایی است به ندرت قادر به صدمه زدن به آنها است. در عرض سه روز گوساله‌های جوان خود را کاملاً با رفتار گله سازگار می‌کنند.

رقیب جدید سرنگتی

از ۲۵ سال پیش، جنگ داخلی در سودان جنوبی قسمت عمده تحقیقات حیات وحش این کشور را به خطر انداخت. وقتی محققین اولین سفر هوایی را قبل از شروع جنگ انجام دادند، معلوم شد که این منطقه دارای شگفتی‌های حیات وحش بسیاری است. به گفته انجمن حفظ محیط وحش، بررسی‌های سال ۲۰۰۷ نشان داد که گله‌های بزرگ مهاجرتی آنجا رقیب مهاجرت در دشت‌های سرنگتی است.

سودان جنوبی منطقه‌ای با وسعت ۵۸۲۷۴۷ کیلومتر مربع واقع در بین بیابان صحرا و کمربند جنگل‌های حاره‌ای آفریقا است. زیست‌شناسان حیات وحش می‌دانند که علفزارها، درخت‌زارها و باطلاق‌های این منطقه محل زندگی فیل، گورخر، زرافه و دیگر حیوانات است. قبل از جنگ داخلی تقریباً ۹۰۰ هزار گوزن گوش سفید (نوعی آنتلوپ) در این منطقه مهاجرت می‌کردند. در سال ۱۹۸۳ جنگ داخلی در گرفت. به صورت تاریخ می‌دانیم که جنگ داخلی به معنی مرگ حیات وحش است. بموازات در هم ریختن قوانین حفظ محیط زیست، شکارچیان برای بدست آوردن گوشت، شاخ و عاج حیوانات به شکار بی‌رویه حیوانات می‌پردازند. اغلب مردم حیوانات را برای مصرف‌شان با تیر می‌زنند.

در واقع، این همه در حیات وحش سودان جنوبی رخ نداد. گله‌های متشکل از بیش از یک میلیون غزال و آنتلوپ به مراتب بزرگ‌تر از گله‌های گوزن آفریقایی در سرنگتی است. محققین متوجه شدند کاب‌های گوش سفید با صدها هزار غزال مونگالا و تیانگ ادغام می‌شوند و ستونی از حیوانات با عرض ۴۲ و طول ۸۱ کیلومتر تشکیل می‌دهند. به نظر متخصصین حدود ۱/۳ میلیون کاب، تیانگ و غزال، تنها در منطقه مورد بررسی آنها وجود داشته است.

در ماه مه، دشت‌های جنوبی شروع به خشک شدن می‌کند. گله‌ها به انضمام گوساله‌ها برای یافتن غذا بتدریج به سمت شمال و غرب راه می‌افتند. در ماه ژوئن فصل خشک آغاز می‌شود. آب فراوان نیست و اغلب علف‌ها از بین رفته‌اند. بسیاری از حیوانات در طول این دوره می‌میرند و برخی از پا در می‌آیند.

در طول فصل خشک، گوزن آفریقایی به سمت درخترازهایی می‌روند که دارای منابع آب بیشتری است. در این مناطق به جفتگیری می‌پردازند. هزاران گوزن نر قلمرو تشکیل می‌دهند. هر نر تلاش دارد تا با ماده‌های بیشتری جفتگیری کند. این حیوانات در یک حادثه همزمان شده و انبوه به تولید مثل می‌پردازند که تماماً در عرض یک ماه رخ می‌دهد. تقریباً ۹۰ درصد ماده‌ها آبستن می‌شوند. حدود ۸ ماه بعد تمامی گوساله‌ها در یک زمان متولد می‌گردند.

با راهپیمایی به سمت شمال بسیاری از گونه‌های آفریقایی به دشت‌های سبز شمال سرنگتی می‌رسند و تا سپتامبر و اکتبر در آن می‌مانند و سپس ابرهای تیره در جنوب گرد می‌آیند. اکنون زمان آن است که مجدداً به مراتع سبز حرکت کنند. در نوامبر سفر گله‌های کامل می‌شود و حرکت به سمت



غزال تامپسون در حال تغذیه از تیغه‌های تحتانی علف‌هایی که توسط گوزن آفریقایی جا گذاشته شده است.

جنوب آغاز می‌شود. گاه اوقات خطی از این حیوانات در حال حرکت به ۱۶۰۰ کیلومتر می‌رسد.

در این مهاجرت هیچیک از افراد گله را هدایت نمی‌کند. آنها یکدیگر را دنبال می‌کنند ولی حیواناتی که جلوی گله حرکت می‌کنند روز به روز و حرکت به حرکت عوض می‌شوند. وقتی شکارچی چون شیر گله را از هم می‌پاشد، یک حیوان جدید رهبری را

به عهده می‌گیرد. گوزن‌ها در طول مسافرت بوهای خاصی تولید می‌کنند. این بوها به گوزن‌های جدا شده امکان می‌دهد تا دوباره به گروه بپیوندند.

گوزن‌ها یک ابزار مسیریابی دیگر نیز دارند. برخی از آنها این سفر سخت سالانه را تجربه می‌کنند ولی توانایی دیگر آنها این است که می‌دانند: «باران کجا می‌بارد». گوزن آفریقایی باران را از ۵۰ کیلومتری بو می‌کند. آنگاه به سمت منطقه باران باریده به راه می‌افتد و درست زمانی که جوانه‌های تازه علف‌ها سر از زمین بیرون می‌آورند به منطقه می‌رسند. برخی معتقدند گوزن‌ها صدای رعد را می‌شنوند، بوی باران را حس می‌کنند و یا ابرهای تیره را به عنوان راهنما بر می‌گزینند.

علاوه بر این سیگنال‌های آب و هوایی، میلیون‌ها گوزن شمالی و دیگر چراگرها از نظر تغذیه به هم متکی هستند. با وجودی که این گونه‌ها در کنار هم چرا می‌کنند ولی قسمت‌های مختلف گیاهان را می‌خورند. گورخر از علف‌های نسبتاً سفت و بلند تغذیه می‌کند در حالی که گوزن آفریقایی از جوانه‌های نرم‌تر علف‌ها بهره می‌برد که توسط گورخر مصرف نشده است. غزال‌های تامپسون کوچک به خوردن تیغه‌های پایینی علف‌ها می‌پردازند که توسط گوزن‌ها به جا گذاشته شده‌اند. تمامی این حیوانات غذای

خورده شده را دوباره به زمین باز می‌گردانند. مقدار زیاد مدفوع و ادرار تولید شده آنها غنی از مواد مغذی برای خاک است که علف‌ها را غنی و سبز نگه می‌دارد. گاه نیز موجودات دیگر به این مهاجرین کمک می‌کنند: فیل و بوفالوی آفریقایی که اغلب در قطعات کوچکی از این مسافت مهاجرت همراه گوزن‌ها می‌شوند مسیر را از طریق خوردن علف‌های بلند و خشن آماده‌سازی می‌کنند.

خطر در هر قدم

تمامی مهاجرت‌ها خطرناک هستند ولی گله‌هایی که از صحرای سرنگتی عبور می‌کنند بویژه در معرض حملات خاصی قرار دارند. بسیاری از آنها شکار شیرها، کفتارها، چیتاها و سگ‌های وحشی می‌شوند. این شکارچیان با گله مهاجرت نمی‌کنند بلکه همواره در حال گشت‌زنی در منطقه هستند. وقتی گله به یک رودخانه میرسد، صحنه‌های فاجعه‌باری شکل می‌گیرد. گله برای دسترسی به دشت‌های سرسبز آن طرف رود خود را به رودخانه خروشان می‌سپارد. این حرکت در سال ۲۰ بار تکرار می‌شود. برخی از این جایگاه‌های عبور از رودخانه خیلی خطرناک هستند و البته در برخی موارد گوزن‌های برای رهایی از خطر شکارچیان دیگر و یا اتوموبیل توریست‌ها، به رودخانه می‌زنند. آنها در صخره‌های گل‌آلود خود را به مرگ می‌سپارند. برخی دیگر درگیر آرواره‌های مرگ‌بار تمساح‌ها می‌شوند. بسیاری از گوساله‌ها مادرشان را در هرج و مرج عبور گله از رودخانه از دست می‌دهند.

راهپیمایی زیرآبی خرچنگ خاردار

تمامی راهپیمایی‌های مهاجرت در خشکی انجام نمی‌شود. خرچنگ خاردار در جزایر بیمینی در باهاما زندگی می‌کنند و در اقیانوس دست به مهاجرت می‌زنند ولی این کار از طریق شنا کردن نیست بلکه روی پاهایشان انجام می‌شود.

راهپیمایی خرچنگ‌ها در پاییز و با اولین طوفان‌های فصلی آغاز می‌شود. تا آن زمان خرچنگ‌ها قسمت عمده اوقات روزانه خود را در میان شکاف صخره‌های مرجانی به سر برده و تنها شبها برای تغذیه از آنها بیرون می‌آیند. طوفان‌ها برای آنها سیگنالی است که لانه‌های آنها در آبهای کم‌عمق دیگر امنیت کافی ندارد. آنها در کنار هم گرد می‌آیند و به صورت دسته‌جمعی به سمت آبهای عمیق مهاجرت می‌کنند. خرچنگ‌ها در زمان مهاجرت در یک صف حرکت می‌کنند در حالی که هر خرچنگ دم خرچنگ جلویی خود را لمس می‌کند. به مدت چند روز آنها یک نمایش «تبعیت از رهبر» (follow-the leader) را دنبال می‌کنند و یک مهاجرت بدون وقفه ۴۸ کیلومتری را در کف دریا به نمایش می‌گذارند. علی‌رغم وجود جریان‌های دریایی و یا کف‌های ناهموار دریا، خرچنگ‌ها در یک خط مستقیم به مهاجرت می‌پردازند و در صورتی که یک شکارچی بالقوه به آنها نزدیک شود یک دایره می‌سازند در حالی که پنجه‌های تهدیدآمیز آنها به سمت خارج است. در نهایت خرچنگ‌ها به آبهای عمیق می‌رسند. در زمستان اینجا گرم‌تر از آهخای کم‌عمق است. آبهای گرم به آنها کمک می‌کند تا تخم‌ریزی کنند و تخم‌های خود را سریع‌تر رشد دهند. این آب‌ها خرچنگ‌ها را از شر طوفان‌های دریایی در امان نگه می‌دارد. در بهار و اوایل تابستان،

خرچنگ‌ها به صخره‌های مرجانی اولیه باز میگردند. در این بازگشت نمایش و هیاهوی کمتری در میان آنها وجود دارد زیرا به صورت انفرادی و در زمان‌های مختلف به بازگشت می‌پردازند. خرچنگ خاردار همچنین مهارت‌های مسیریابی فوق‌العاده‌ای دارد. آنها همچون بسیاری از حیوانات دیگر دارای قطب‌نمای مغناطیسی درونی هستند و به راحتی می‌دانند به کدام سمت حرکت کنند. باری این خرچنگ‌ها یک حس درونی دارند که به محل واقعی آنها را در کره خاکی می‌گوید. دیگر بی‌مهرگان (از قبیل حشرات، کرم‌ها، خرچنگ‌ها و کلم‌ها) نیز دارای این قریحه می‌باشند. محققین خرچنگ‌های خاردار را گرفته و ۳۷ کیلومتر آن طرف‌تر رها کردند در حالی که حداکثر کوشش خود را به عمل آوردند تا خرچنگ‌ها مسیر خود را ندانند.



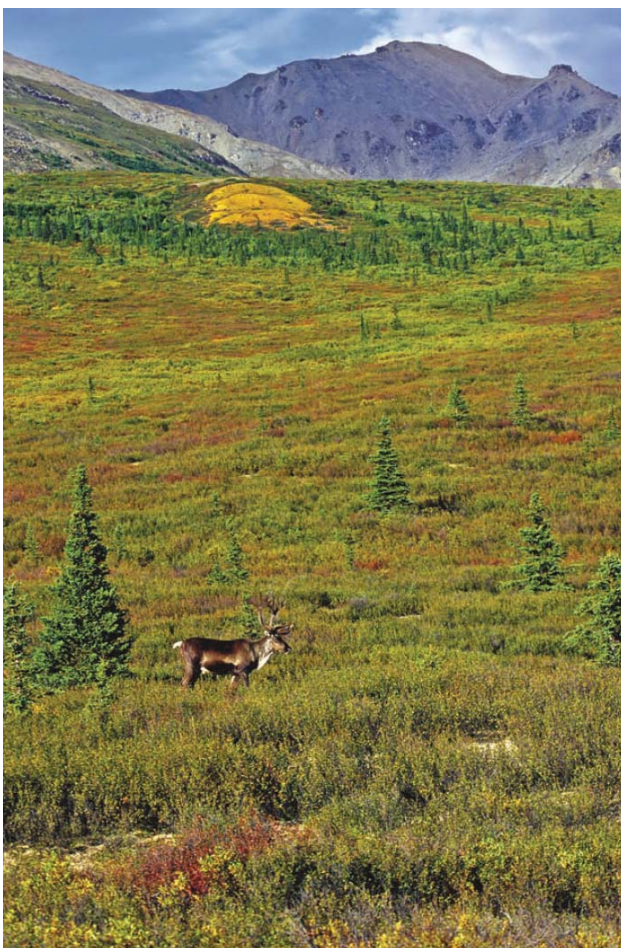
به این شکل که آنها را در ظروف دربسته حرکت داده و یا به شیوه دورانی (و نه مسیر مستقیم) انجام دادند. با این وجود به محض رهاسازی آنها مسیر بازگشت را در پیش گرفتند. به نظر می‌رسد که آنها میدان مغناطیسی زمین را درک می‌کنند. وقتی محققین به ایجاد میدان‌های مصنوعی مغناطیسی پرداختند، در پاسخ به آن رفتارشان تغییر میکرد.

از طرفی گوزن‌های آفریقایی شکارهای آسانی برای شیر و کفتار هستند. با این همه بزرگ‌ترین قاتل گوزن‌های آفریقایی، «گرسنگی» است. این موجودات بقدری به علف و آب وابسته‌اند که اگر خشکسالی موقتی یا یک نرده‌کشی ساده مسیر دسترسی آنها به آب و علف را ببندد، به زودی خواهند مرد. در یک سال حدود ۲۵۰ هزار گوزن می‌میرند. البته گوزن‌های مرده، اغلب مریض، چلاق، پیر و یا خیلی جوان هستند. با این همه گله قوی می‌ماند. به همین دلیل است که هر سال ۵۰۰ هزار گوساله جدید به گله افزوده می‌شود. از آنجا که تمامی آنها در عرض چند هفته متولد می‌شوند، اغلب آنها از مرگ توسط شکارچیان می‌رهند در حالی که اگر تراکم تعداد گوساله‌ها نبود، شکارچیان به راحتی بر آنها غلبه نموده و همه آنها را درو می‌کردند.

بزرگ‌ترین مهاجرت زمینی

در حالی که گوزن آفریقایی، انبوه‌ترین مهاجرت پستانداران را به معرض نمایش می‌گذارد، پسرعموهای آنها در شمال افتخار طولانی‌ترین مهاجرت را در میان پستانداران خشکی به خود اختصاص میدهند. گوزن شمالی مهاجرتی با طول ۶ هزار کیلومتر دارد. آنها جنگل‌های کاج شمالی و دامنه‌های کوهستان را در نور دیده و خود را به سواحل بدون درخت قطبی می‌رسانند و باز میگردند. گوزن شمالی خز ضخیمی دارد که مناسب شمال است. هم نر و هم ماده دارای شاخ با عرض ۱/۲ متر می‌باشند.

همه گوزن‌های شمالی متعلق به یک گونه هستند ولی در گله‌های جداگانه در «دایره قطبی»^۱ به سر می‌برند. بزرگ‌ترین گله‌ها در واقع گله‌های قطبی غربی در قسمت‌های شمال غربی آلاسکا، گله رودخانه «جرچ» در شمال کبک و گله جزیره «تایمیر» در سیبری است. این گله‌ها هر یک متشکل از حداقل ۵۰۰ هزار حیوان می‌باشند. در ایالات متحده دو گله با جمع کل ۱۴۰ هزار حیوان وجود دارد که در پارک‌های حیات وحش محافظت‌شده ملی قطبی آلاسکا به سر می‌برند. این یکی از مکان‌های به شدت محافظت‌شده در ایالات متحده است.



گوزن شمالی در توندراهای آلاسکا و انتخاب مسیرهای غیرمستقیم مهاجرت بدلیل وجود شکارچی، سدهای انسانی، تغییر آب و هوا و دیگر شرایط که مسیر آنها را تغییر می‌دهد.

مراعات زمستانه و تابستانه گوزن شمالی حدود ۲۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر فاصله دارند. فاصله مهاجرت‌ها خیلی بیشتر است. گوزن‌ها از مسیرهای غیرمستقیم برای رسیدن به مقصد استفاده می‌کنند. محققین اقدام به بستن گردن‌بند ماهواره‌ای روی ۷۰ گوزن در کبک شمالی پرداختند تا حرکت آنها را بررسی کنند. آنها متوجه شدند که شکارچیان، عوارض زمینی، سدها و موانع ایجادشده توسط انسان (مثل نرده‌کشی‌ها)، منابع غذایی و آب و هوا از جمله عواملی است که مسیر مهاجرت آنها را تغییر می‌دهد.

در یک روز زمستانی آفتابی در آلاسکای شمالی، یک لایه یک متری پوشش برفی زمین‌های جارو شده با باد را می‌پوشاند و دما به ۲۶ درجه زیر صفر می‌رسد. گله‌های کوچک گوزن چرا می‌کنند. آنها متوقف می‌شوند و با سم خود زمین را به هم می‌زنند و خراش‌های جزئی در آن بوجود می‌آورند. سپس با

بینی خود گل‌سنگ‌های زیر برف را بو می‌کنند. گل‌سنگ‌ها بزحمت شبیه علف‌های سبز غنی از رطوبتی است که گوزن آفریقایی در سرنگتی می‌خورد. از طرفی تنها گیاهی است که قادر به تحمل آب و هوای سخت شمالی می‌باشد. گوزن‌ها حدود ۸ ماه از سال را در دسته‌جات کوچک به گشت‌زنی می‌پردازند و

¹ - Arctic Circle

این گل‌سنگ‌ها را مصرف می‌کنند. در طول روز ممکن است از میان طوفان برف و باد با سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت به مسافت پیردازند. آنها در شب وقتی دما کمتر از ۳۴ درجه زیر صفر است در مرکز دریاچه منجمد به استراحت می‌پردازند. اینجا بهترین ناحیه برای زیر نظر گرفتن شکارچیان بالقوه است.

مسیری در میان یخ و پشه

در آوریل آب و هوا تغییر می‌کند و رفتار گوزن‌های نیز تغییر می‌کند. روزها بلندتر می‌شود. گوزن‌ها به سمت شمال و در واقع به سوی محل تولد خود می‌روند. آنها جنگل‌های کاج پراکنده و کوهستان‌ها را در می‌نوردند و به سمت دشت‌های ساحلی بدون درخت پیش می‌روند. ماده‌های آبستن با شکم برآمده در رأس گروه قرار دارند. نرها گاه توقف می‌کنند و در زیر آخرین درخت‌ها به استراحت می‌پردازند.

فرشی از خرچنگ‌ها

مهاجرت خرچنگ قرمز نه بدلیل فاصله‌ای که طی می‌کند بلکه بدلیل مهاجرت دوستانه و رنگ زیبای آنها، یکی از جالب‌ترین مناظر دیدنی مهاجرت در میان جانوران محسوب می‌شود. از اواخر اکتبر تا شروع دسامبر، بازدیدکنندگان از جزیره کریسمس در اقیانوس هند شاهد مهاجرت بیش از ۱۰۰ میلیون خرچنگ قرمز هستند. این خرچنگ‌ها با رنگ قرمز روشن از سوراخ‌های خود در آمده و به سمت مناطق ساحلی سفر می‌کنند. توده آنها شکبیه یک فرش بزرگ در حال حرکت است. خرچنگ‌ها بعد از رسیدن به مقصد، جستجوی می‌کنند. نرها به حفر سوراخ‌هایی برای ماده‌ها می‌پردازند.



ماده‌ها در این سایبان‌ها به مدت ۱۲ روز می‌مانند و منتظر می‌شوند که تخم‌هایشان توسعه یابد. در نهایت بصورت دسته‌جمعی بیلیون‌ها تخم لقاح شده را در آب اقیانوس رها می‌کنند. حدود ۵ هفته بعد خرچنگ‌های جوان به سمت ساحل می‌آیند و از آن پس دنبال والدین خود می‌افتند.

در طول مسیر آنها با گرگ‌ها برخورد می‌کنند. بارها دسته‌های گرگ به آنها حمله می‌کنند، سرعت حرکت آنها را می‌گیرند و حیوانات ضعیف‌تر را می‌خورند. گوزن شمالی در میانه این مهاجرت از رودخانه‌ها نیز عبور می‌کند. برخی از این رودخانه‌ها به شدت یخ زده و سرد هستند. گرگ‌ها و خرس گریزی در طرف دیگر منتظر آنها می‌باشند و گوزن‌هایی را که در اثر ناتوانی و خستگی قادر به فرار نیستند به چنگ می‌آورند و یا گوساله‌های جوان‌تر را که مادرشان را از دست داده‌اند شکار می‌کنند.

گروه‌های کوچک گوزن شمالی که به سمت شمال طی مسیر می‌کنند در طول مسیر با یکدیگر برخورد می‌کنند. این مسیرها نسل بعد از نسل توسط آنها استفاده شده است. به موازات اینکه گروه‌های مختلف با هم به سفر می‌پردازند، کاروان آنها بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و شباهت به رودخانه سیاهی پیدا

می‌کند که در میان سفیدی برف راه خود را باز می‌کند. وقتی گوزن‌ها راه می‌روند، تاندون‌های آنها بر روی استخوان آنها کشیده می‌شود و صدای کلیک خاصی ایجاد می‌کند. اکنون می‌توان تصور کرد که وقتی هر چهار پای گوزن این صدا را بدهد و این صدا در تمامی افراد جمعیت (بالای ۱۰۰ هزار) ضرب شود چه صدای مهیبی ایجاد می‌کند.

در ماه مه برف‌ها ذوب می‌شوند. در ژوئن گوزن شمالی به مقصد می‌رسد که توندراهای سواحل قطبی است. کلمه توندرا از یک کلمه فنلاندی گرفته شده و به معنی «زمین بایر» است. در زمستان، توندرا تبدیل به یک بیابان یخی می‌شود ولی در تابستان توندرا محلی برای زندگی است. اکنون گوزن‌ها به جای جستجوی گل سنگ به چرای گیاهان علفی و قارچ‌ها می‌پردازد. در این مکان آنها از خطر گرگ‌ها نیز در امان هستند. از آنجا که زمین به صورت دائمی در سطح توندرا منجمد است گرگ‌ها نمی‌تواند برای توله‌های خود پناهگاه ایجاد کنند. هزاران گوزن با توجه به وجود غذا و ایمنی به تولد



پوشش پشمی گوزن شمالی ابزار مناسبی برای سفرهای قطبی است. همچنین حس بویایی قوی آنها کمک می‌کند تا گل‌سنگ‌ها را از زیر برف شناسایی کنند و خود را از شر شکارچیان در امان دارند.

گوساله‌های خود می‌پردازند. شیر گوزن شمالی غنی‌تر از تمامی پستانداران زمینی است و گوساله‌های آنها به سرعت رشد می‌کنند. گوساله گوزن شمالی نیز شبیه گوزن آفریقایی در عرض چند روز سر پا شده و راه می‌روند.

با وجود غذای کافی و نادر بودن شکارچی، گوزن‌های شمالی در این مکان با خطر دیگری مواجه

هستند: «پشه‌ها». پشه‌ها و حشرات گزنده دیگر در تابستان‌های مرطوب قطبی ازدحام می‌کنند و چه بسا سطح بدن آنها در نتیجه ازدحام پشه‌ها سیاه به نظر برسد. گوزن‌ها هر کاری می‌کنند تا خود را از دست این آفت نجات دهند. آنها به صورت دسته‌جمعی می‌ایستند و پوست خود را می‌لرزاند. با وجود این هر هفته مقداری از خون آنها توسط پشه‌ها مکیده می‌شود. این کار حتی گوزن‌های بزرگ و قوی را ضعیف می‌کند. آنها به منظور اجتناب از گزیده شدن فرصت و زمان تغذیه خود را از دست می‌دهند.

در پاییز انگیزه حرکت به سمت جنوب در آنها شکل می‌گیرد. در طول مسیر آنها از رودخانه‌ها عبور می‌کنند و تا آنجا که می‌توانند غذا می‌خورند و جفت‌گیری می‌کنند. در ماه اکتبر به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شوند و مجدداً بصورت گروه‌های کوچک تر به پرسه‌زنی در محیط می‌پردازند و

برای به دست آوردن گلسنگ‌های پنهان شده در زیر برف‌ها چندین کیلومتر به این طرف و آن طرف می‌روند تا زمانی که در فصل تابستان به سواحل قطبی آفتابی برسند.

رام کردن گوزن‌ها

گوزن شمالی به شیوه مناسبی برای سفر زمستانی مجهز شده است. در زمستان پوشش بدنی آنها دارای موهایی با طول ۷ سانتی‌متر است. موها توخالی هستند و هوا را در خود حبس می‌کنند و بصورت یک لایه عایق در اطراف بدن عمل می‌کنند. موهای توخالی همچنین موجب شناور ماندن گوزن‌ها در آب می‌شوند و لذا شناگران خوبی برای عبور از رودخانه‌ها می‌باشند. آنها دارای حس بویایی قوی هستند و قادرند از فاصله دور بوی شکارچیان را درک کنند. همچنین قادرند با توسل به این حس قوی خود گلسنگ‌های زیر برف‌ها را نیز بو کرده و به آنها دسترسی یابند.

سم گوزن‌ها از زمستان تا تابستان تغییر می‌کند. در زمستان سم آنها سخت می‌شود و همچون یک کفش برفی عمل می‌کند و لذا سطح تماس کف پای آنها با زمین بیشتر است. لبه تیز سم‌ها برای کنار زدن یخ و برف و یافتن گلسنگ‌ها بکار می‌رود. در تابستان کف پای آنها اسفنجی می‌شود تا بتوانند بهتر در زمین‌های مرطوب توندراهای شمال حرکت کنند.

آنچه باعث می‌شود این حیوان تبدیل به عالی‌ترین ساکنین قطبی شود، عاملی است که ساکنین محلی نیز از آنها استفاده می‌کنند. در فرهنگ‌های قطبی در آمریکا و اروپای شمالی هزاران سال است این گوزن‌ها شکار می‌شوند. آنها گوشت گوزن را می‌خورند و از پوست آنها برای پوشش خود استفاده می‌کنند. حدود ۵ هزار سال پیش، مردم قطب به گله‌بانی این گوزن‌ها اقدام می‌کردند و این رسم تا کنون ادامه دارد. در واقع مردم سامی نروژ، سوئد و فنلاند و نیز مردم ننت و کوچی روسیه را اغلب به نام «افراد گوزنی» می‌شناسند. آنها به همراه گله‌های گوزن به مهاجرت می‌پردازند و در طول مسیر از آنها مراقبت می‌کنند. به این ترتیب آنها یک منبع غذا و لباس مطمئن در کنار خود دارند.

امروزه گله‌های گوزن شمالی به سمت مراتع مختلف رانده می‌شود تا چرا کرده و به مسیرهای بلند مهاجرت نروند. برخی از آنها به اندازه‌ای رام شده‌اند که شیردوشی می‌شوند و یا به کشیدن سورت‌مه می‌پردازند. گوزن‌ها در برخی مناطق برای گوشت، پوست و شاخ‌شان پرورش داده می‌شوند.

گوزن‌های رام‌شده اندکی متفاوت از گوزن‌های وحشی می‌باشند. آنها دارای پاهای کوتاه‌تری هستند. تنها یک یا دو گوزن وحشی در میان گله گوزن رام‌شده باعث بی‌قراری کل گله می‌شود. چه بسا وجود گوزن‌های وحشی باعث وسوسه مهاجرت در آنها شود.